

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف

زهرا فتاح زاده* - علیرضا امینی**

چکیده

در گذشته ضمان عیب کالا منحصر به رابطه‌ی قراردادی بود؛ امروزه با تولید کالاهای فنی و پیچیده در مقیاس وسیع، به جهت عیوب ناشناخته موجود در کالا و عدم ارائه اطلاعات کافی در نحوه صحیح استفاده و هشدار از خطرات، باعث بروز حوادث ناگوار و خسارات فراوان نه تنها بر مصرف‌کننده، بلکه بر افرادی که هیچ استفاده‌ای از کالا نداشته‌اند، می‌شود و آن چه در قانون حمایت از مصرف‌کننده آمده حمایت مطلوبی از مصرف‌کننده نمی‌باشد. در فقه امامیه نیز، به علت ناکارآمدی روابط قراردادی از طرفی و مستحذنه بودن ضمان تولیدکننده از سوی دیگر، نیاز مبرم به تدوین و قانون‌مندنمودن قلمرو ضمان تولیدکننده و حمایت از حقوق مصرف‌کننده در برابر خسارات ناشی از عیب کالا و نقص در اطلاع رسانی صحیح در نحوه مصرف است. بی‌شک اثبات ضمان یا عدم ضمان برای تولیدکننده منوط به بررسی قواعد ضمان و نحوه‌ی کاربرد آن در این بحث است. در هر حال هرگاه رابطه سببیت بین زیان وارده و عیب کالا احراز شود، بنا به قواعد ضمان، ضمان مستقر است ولی تعیین ضمان ناشی از عیب کالا از پیچیدگی خاصی برخوردار است و به عوامل متعددی وابسته است. برخی از اسباب منجر به ضمان تولیدکننده و برخی رافع ضمان تولیدکننده است.

کلید واژه: ضمان، رابطه سببیت، عیب کالا، تولیدکننده، خسارت

* دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،

عهده‌دار مکاتبات z.fatah.110@gmail.com

** استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ وصول: ۹۰/۹/۲۶ - پذیرش نهایی: ۹۱/۵/۹

مقدمه

در گذشته کیفیت کالا و نحوه‌ی مصرف کالا غالباً برای مصرف کننده آشنا بوده و خسارات احتمالی جزئی بود و معمولاً تولیدکنندگان در مقابل حوادث ناشی از آن مسؤولیتی نداشتند^۱. و مبنای ضمان تولید کننده در محدوده روابط قراردادی پاسخگو بود. فقه نیز به خریدار کالای معیوبی که عیب آن، تنها کاهش ارزش اقتصادی کالا را بر اثر تلف و یا صدمه در بر دارد، مقرراتی وضع کرده است. امروزه نیاز روزمره و تصاعدی مردم به کالاهای مصرفی و خدمات در دورانی که امکانات و اطلاعات موجود در دسترس متخصصین بوده و تشخیص سلامت یا عیب کالا به وسیله خریدار عادی و فاقد اطلاعات کارشناسی در آن زمینه به سادگی ممکن نیست و مصرف کنندگان غالباً ناآگاه از کیفیت وسایل مصرفی و خطرات احتمالی ناشی از استفاده نادرست هستند، باعث بروز حوادث ناگوار می شود. بنابر وصف معیوب در این نوشتار، عیبی است که ایمنی مصرف کنندگان را به مخاطره اندازد و هنگام مصرف خطر آفرین باشد. در ذیل به نمونه هایی از این خسارات اشاره شده است.

۱- ایراددهای فنی خودرو صفر کیلومتر، هواپیما، وسایل الکتریکی و سایر عیوب موجود در کالاها گاه منجر به بروز حوادث غیر قابل جبران نه تنها بر نفوس و اموال مصرف کننده، بلکه بر افرادی که هیچ استفاده‌ای از کالا نداشته‌اند، می شود.

۲- روزانه در ترکیب دو نوع از مواد شوینده (سفیدکننده و جوهرنمک) که به راحتی در اختیار افراد قرار دارد، منجر به حوادثی ناگوار می گردد. زیرا استفاده از مواد سفیدکننده در فضای بسته حمام و دستشویی به علت ایجاد گاز کلر، که از عوامل شیمیایی^۲ می باشد، موجب

۱- سالها حقوقدانان فرانسوی بر این عقیده بودند که در صورت نبود قوانین و مقررات خاص، طرفین قرارداد تعهدی به دادن اطلاعات به یکدیگر ندارند. چراکه در جامعه‌ای آزاد هرکس می بایست در پی کسب اطلاعات مورد نظر خود باشد. تا آنجا که در مبحث مبیع ضرب المثلی مبنی بر ضرورت کنجکاوی مشتری مبنای عمل قرار گرفته بود. به موجب این نظریه «دکترین آگاه باش خریدار»، فروشنده ملزم به افشای عیوب مبیع نمی باشد، بلکه خریدار با اتکاء بر شناخت خود نسبت به مبیع اقدام، به معامله نماید. (قاسمی حامد، «مروری بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد در حقوق فرانسه» مجله کانون وکلا، شماره مسلسل ۱۶۴-۱۶۵، سال ۱۳۷۵)

۲- عوامل شیمیایی به آن دسته از مواد یا ترکیبات شیمیایی گفته می شود که در صورت انتشار مناسب و تأثیر شیمیایی منجر به مرگ، آسیب و ناتوانی در انسان و حیوان و یا از بین رفتن گیاه می شود. عوامل شیمیایی را که به صورت گاز، بخار، افشانه، جامد و مایع پخش می شوند از طریق دستگاه تنفسی، گوارشی و پوست به بدن وارد می گردند و معمولاً با توجه به چگونگی مشخصات و اثرات فیزیولوژیک خود، چند دسته‌ی

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۳۱

تحریک راه‌های هوایی شده و علایم مسمومیت در افراد بروز می‌کند و سرفه، خس‌خس سینه و تنگی نفس به‌ویژه در افراد زمینه بیماری‌های ریوی از جمله علایم مسمومیت با این مواد است و هرگاه که از مخلوط وایتکس و ترکیبات اسیدی بسیار قوی مانند جوهرنمک استفاده شود به علت برخی فعل و انفعالات شیمیایی موجب آزادشدن بیشتر گاز کلر و در نتیجه شدت علایم مسمومیت می‌شود و می‌تواند منجر به مرگ شود. و از آن‌جا که معمولاً بیمار از خطر ترکیب این مواد اطلاعی ندارد؛ در شرح بیماری از ترکیب این مواد یاد نمی‌کند و تشخیص‌های نادرست و داروهای کاملاً متفاوت به بیمار تجویز می‌شود.

هرچند که در برچسب این مواد تذکر داده شده است که جوهرنمک با سفیدکننده ترکیب نشود لیکن این اندازه آگاهی مؤثر در تحذیر از خطرات ناشی از ترکیب مؤثر نمی‌باشد چرا که اولاً این آگاهی معمولاً با چشم غیرمسلح خوانده نمی‌شود و ثانیاً هشدار به خطر ناشی از ترکیب داده نشده و ثالثاً فروش این دو ماده در کنار هم در سوپر مارکت‌ها، فروشگاه‌ها و لبنیاتی‌ها، شائبه خطر را از بین می‌برد.

۳- قرص برنج ترکیب خطرناکی از فسفیدهاست^۱ که برای جلوگیری از آفت‌زدگی برنج انبار شده مصرف می‌شود. اما از ابزار اصلی خودکشی در بزرگسالان هم به شمار می‌آید. و خوردن یا استنشاق اتفاقی این ماده نیز می‌تواند عوارض شدید و حتی کشنده‌ای در برداشته باشد. به عقیده متخصصان دوز کشنده این قرص در انسان نامشخص است، ولی مواردی از مرگ در اثر خوردن تنها نصف قرص (۵/۱ گرم) نیز گزارش شده است. احتمال مرگ در اثر استفاده از این سم، بسیار بالا و مانند سیانور است و این سم، هیچ پادزهری ندارد. این قرص برای خودکشی بسیار شایع شده و گاه مصرف اشتباه این قرص به جای قرص‌های روان‌گردان (اکستازی) به دلیل شباهت ظاهری این دو قرص به یکدیگر باعث مرگ بسیاری

عمده می‌شوند: ۱) ناتوان کننده‌ها (۲) عوامل زیانبخش (۳) عوامل کشنده تقسیم می‌شوند. گاز کلر در ترکیب وایتکس و جوهرنمک به مقدار زیاد تولید می‌شود و از عوامل شیمیایی کشنده می‌باشد. عوامل کشنده خود بر چند نوع می‌باشند: ۱) عوامل اعصاب، ۲) عوامل خون، ۳) عوامل خفه‌کننده سمی. از جمله عوامل خفه‌کننده «سمی» کلر، کلروپین، قشرون و کرینیل فلوراید است که موجب خفگی و مرگ انسان می‌شود. این عوامل ترشحات فراوانی را در شش‌ها به وجود می‌آورند و موجب خفگی فرد می‌شوند. ۱- «فسفید یک سم داخل سلولی است، یعنی از فعالیت آنزیم‌هایی که در تنفس سلول نقش دارند، ممانعت می‌کند. هم‌چنین با ساخت پروتئین تداخل دارد و مانع سنتز پروتئین می‌شود. ایجاد این گونه اختلال در عمل کرد سلول، نهایتاً باعث مرگ سلولی می‌شود.»

شده است. با همه این اوصاف این سوال مطرح است که سمی که اصولاً باید فقط در دسترس کشاورزان و تاجران برنج باشد، چرا به راحتی در دسترس جوانان و بچه‌های مدرسه‌ای قرار دارد و چرا در داروخانه‌ها و عطاری‌ها عرضه می‌شود؟

مثالهای مذکور مصادیقی از حقوق از دست رفته مصرف‌کننده در زمان حاضر می‌باشد. عیب در مرحله تولید و نیز نقص در اطلاعات صحیح در نحوه مصرف و هشدارها، موجب ضمان تولیدکننده شود. زیرا همین نقص و عدم اطلاعات کافی ممکن است کالایی را که می‌تواند مطلوب باشد خطرناک کند.

ضمان تولیدکننده به دو شیوه‌ی روابط قراردادی و ضمان قهری قابل طرح است. در صورتی که عیب موجود در حین عقد بیع باشد؛ با استناد به مقررات خیار عیب، با اثبات وجود عیب سابق کالا (قبل از تحویل کالا)، اقدام فوری بر فسخ عقد بیع با فروشنده و یا مطالبه ازش مبیع نماید. (المکاسب/۲/۳۴۵)، لیکن وصف معیوب در تولید که باعث ضمان تولیدکننده می‌باشد، عیبی است که ایمنی مصرف‌کنندگان را به مخاطره اندازد و هنگام مصرف خطرآفرین باشد.

ضمانت‌نامه (خدمات پس از فروش) یکی از شیوه‌های متداول حمایت از مصرف‌کننده است، که تعهد الزام آور تولیدکننده را در مدت زمان مشخص طبق شرایط و ضوابط مبتنی بر معامله‌ی برابر خریدار، بر تعمیر کالا و رفع معایب و نقایص و حتی تعویض آن در بر دارد. مبنای فقهی ضمانت‌نامه (خدمات پس از فروش) شرط ضمن عقد، یا تعهدی مستقل است.

شرط ضمن عقد عبارت است از الزام و التزام به چیزی ضمن عقد یا ربط و وابستگی میان عقد و تعهدی که در پی آن می‌آید. در اینکه شرط ضمن عقد، قراری مستقل و جدا از قرار عقد است و هیچ یک از عوض مطرح در عقد، انشاء و منشأ را قید نمی‌زند و عقد تنها ظرف وقوع شرط است که شرط ضمن آن تحقق می‌یابد، یا آنکه شرط، عقد را مقید می‌کند، مسئله محل بحث و اختلاف است (البیع/۵/۳۰۸-۳۰۷). به عبارتی‌آیا ضمانت‌نامه خود تعهد مستقلی است و یا شرطی است که به صورت شرط ابتدائی و یا در ضمن عقد لازم، الزام آور شده است؟ دو حالت متصور است: ۱) ضمانت‌نامه را به عنوان شرط ضمن عقد بیع تلقی نمود و معامله را مبتنی بر آن دانست. در این صورت بنا به نظر مشهور فقها الزام پدید آمده از عقد لازم، شرط ضمن آن را نیز شامل شده و شرط را نیز الزام آور می‌نماید. زیرا

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۳۳
شرط در لزوم و جواز تابع عقد است و شرط ضمن عقد جایز نمی تواند الزام آور باشد^۱ (حاشیه
المکاسب/۲/۱۲۴). ۲) ضمانت نامه را شرط جداگانه و صرفاً مربوط به آن قرارداد دانست و
این شرط نیز به تبعیت از عقد لازم و تعهدآور است اگر چه در ضمن عقد واقع نشده باشد.
اگرچه خدمات پس از فروش در راستای ضمان تولید کننده و گامی در جهت حمایت از
مصرف کننده است لیکن تنها تعمیر، رفع معایب و نقایص و گاه تعویض کالا را در بر دارد و
ناظر بر سایر خسارات نیست.

در رابطه قراردادی، بنظر می رسد بتوان با پذیرش شرط بنایی که تولید کننده
سلامت کالا و انطباق آن با انتظار مشروع مصرف کننده را تضمین کرده است تولید کننده را
ضامن خسارت وارده دانست. زیرا هر فروشنده به طور صریح و یا ضمنی تعهد به ایمنی مبیع
به سود خریدار می نماید و این تعهد، تعهد به نتیجه معین است و در صورتی که رابطه
سببیت بین عیب کالا و خسارت حاصله اثبات گردد، متعهد -فروشنده- موظف به جبران
خسارت است و نیازی به اثبات تقصیر فروشنده نیست. زیرا تضمین سلامت کالا و انطباق آن
با انتظار متعارف مصرف کننده از شروط بنائی در هنگام بیع است و نقض این شرط موجب
ضمان است. همچنین به دلیل این که در هر قرارداد فروشنده به طور تبعی متعهد می شود کلیه
اطلاعات ضروری در ارتباط با نحوه مصرف مبیع، ذکر خطرهای موجود در آن، شیوه احتراز
از خطرها و خسارات احتمالی و عیوب پنهان کالا را در اختیار خریدار قرار دهد، عرضه کننده از
این وظیفه تخطی کرده و لذا، اگر بر اثر عدم ارائه اطلاعات در نحوه صحیح مصرف و
هشدارهای لازم خسارتی بوجود آید، نقض آن شرط و عهد است و تولید کننده (متعهد) ضامن
خسارت است.

ایراد و نارسایی شرط بنایی در این است که تنها ناظر به طرف قرارداد است و تنها
طرف قرارداد می تواند برای مطالبه خسارات به تولید کننده و فروشنده مراجعه کند و

۱- در برابر مشهور جمع زیادی از بزرگان و اعیان فقها شرط ضمن عقد جایز را نیز لازم الوفا می دانند که
تعداد این فقها آنقدر زیاد است که نسبت عدم لزوم شرط ضمن عقد جایز را به مشهور مورد تردید قرار می
دهد و شاید به همین جهت است که صاحب مستمسک نسبت قاعده عدم لزوم شرط ضمن عقد جایز را به
مشهور از اساس انکار کرده است (مستمسک العروه الوثقی ۱۲/ ۲۶۸). در هر صورت در میان فقهای که شرط
بیان شده را لازم الوفا می دانند می توان از علامه حلی، شهید ثانی (مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام
۲۹۱/۱) محقق اردبیلی (مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ۵۸/ ۹)، محقق خویی (مبانی العروه
الوثقی، الجزء الثالث، کتاب المضاربه/۴۲) و محقق خوانساری وسید محسن حکیم را نام برد.

تولیدکننده ضامن خسارت وارده به جان و مال افرادی که با تولیدکننده هیچ رابطه حقوقی ندارند، نیست.

با ناکارآمدی ضمان قراردادی دانشمندان حقوق سعی کردند تا روابط قراردادی را توسعه دهند. اما درگسترده‌ترین نظریه‌ها که نظریه‌ی تضمین است، (مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا/۳۵) نیز تعهد ضمنی فروشنده محدود به مصرف‌کنندگان کالا یا کسانی است که در زنجیره قراردادی جایی دارند و به گونه‌ای، مستقیم یا با واسطه، در تراضی با فروشنده ارتباط دارند. ولی از سایرین حمایت نمی‌کند، درحالی که اشخاص ثالث استحقاق بیشتری دارند؛ چرا که مصرف‌کننده از مزایای تولید بهره‌مند می‌شود، اما ثالث بی‌گناه هم در این راستا بهره‌ای نمی‌برد و هم خسارت می‌بیند. بنابراین نیاز به بررسی قواعد ضمان قهری است.

در فقه ضمان تولیدکننده، از مسائل مستحدثه است. این نوشتار در راستای تعیین قلمرو ضمان تولیدکننده، قواعد فقهی باب ضمان را مورد بررسی قرار داده و سپس به تطبیق مواردی از خسارت ناشی از عیب کالا با قواعد ضمان (بخش اول) و در ارتباط با ضمان تولیدکننده ناشی از عدم اطلاع رسانی کافی در نحوه‌ی مصرف و هشدارهای لازم (بخش دوم) پرداخته است.

تطبیق قواعد ضمان قهری با ضمان تولیدکننده ناشی از عیب کالا

در این بخش اسبابی مورد بررسی قرار می‌گیرند که براساس آنها می‌توان ضمان را برای تولیدکننده ثابت کرد. در فقه اسلامی قواعد اتلاف و تسبیب، قاعده غرور و قاعده لاضرر مبنا و اساس بسیاری از مباحث و احکام فقهی و حقوقی ضمان را تشکیل می‌دهند.

۱- قاعده‌ی اتلاف

قاعده‌ی اتلاف، مهم‌ترین قاعده‌ای است که فقها در ضمان قهری به آن استناد کرده‌اند. بر اساس این قاعده، هرگاه کسی مال دیگری را بدون اجازه او تلف کند، ضامن است. (موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه ۵۲/۲) برای اثبات ضمان اتلاف و لزوم جبران خسارت فقها به آیات و اخباری چند و بنای عقلا استناد کرده‌اند. این عبارت، اگرچه، در آیه و روایتی وارد نشده است، لیکن مضمون آن از آیات و روایات گرفته شده و در اصطلاح فقها

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۳۵
این گونه از قواعد را قاعده‌ی اصطیادی^۱ می‌نامند. در عین حال، پاره‌ای از عبارات فقیهان
دلالت بر این دارد که عبارت مزبور، مدلول روایت است (نهایه الاحکام فی معرفه
الاحکام/۱/۳۱۴) فقهاء و حقوق‌دانان با عنایت در کیفیت تحقق اتلاف، اتلاف به مباشرت و
اتلاف به تسبیب را از یکدیگر متمایز دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، همان مأخذ، ص ۲۲).

الف- اتلاف به مباشرت

مباشرت در اتلاف ایجاد علت تلف است مانند قتل، خوردن و سوزاندن یعنی
شخص، به حسب ظاهر، مستقیماً مبادرت به ایجاد خسارت می‌نماید و ملاک در تحقق آن
صحت انتساب خسارت به فاعل است و لو آن که وی قصد اضرار نداشته باشد. (جواهر
الکلام/۴۳/۴۳) در اتلاف، شخص به مباشرت و بدون واسطه موجب بروز خسارت می‌گردد و
استناد خسارت به فاعل آن به آسانی صورت می‌گیرد. از آنجایی که تولیدکننده مستقیماً عامل
ورود ضرر به مصرف کننده نیست، اتلاف به مباشرت در ضمان تولیدکننده غالباً کاربرد ندارد
و در یک مثال فرضی تولیدکننده بنا بر قاعده اتلاف ضامن خسارت‌های وارده از کالای
تولیدی خود بر دیگران است که هنگام استفاده وی (تولیدکننده) از کالا خطرآفرین شده است.

ب- اتلاف به تسبیب

اتلاف به تسبیب^۲ جایی است که تسبیب، موجب صدق اسناد اتلاف به مسبب می
گردد و این در صورتی است که میان تسبیب و تلف مال، اراده فاعلمختار قرار نگیرد به اینکه
یا اراده در میان نباشد - مثل صورتی که شخص چاهی کند و دیگری در آن افتد - و یا اینکه
اراده‌ای وجود دارد اما این اراده در حکم عدم است - مثل اراده طفل - اما با واسطه قرار
گرفتن اراده فاعل مختار، اتلاف به سبب اسناد داده نمی‌شود. (بحوث فی شرح العروه الوثقی /
۱۴۰۸)

۱- ثمره‌ی فقهی این بحث، این است که اگر این قاعده، متن آیه و یا روایت باشد مانند قاعده «لا ضرر» در
موارد مشکوک می‌توان به اطلاق لفظی ادله قاعده، تمسک کرد. ولی چون این قاعده از آیات و روایات و
ادله دیگر اصطیاد شده است، نمی‌توان به اطلاق لفظی «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» تمسک کرد بلکه
فقط به اطلاق ادله قاعده، می‌توان تمسک کرد.

۲- اصطلاح تسبیب از قرن پنجم هجری به بعد در کتب فقهی مانند 'مبسوط' شیخ طوسی و 'سرائر' ابن
ادریس مطرح شده است.

در تسبیب، برخلاف اتلاف که شخص بالمباشره و بدون واسطه موجب بروز خسارت می‌گردد، در تسبیب شخص به واسطه امری مسبب تلف مال غیر می‌شود. تسبیب مأخوذ از سبب است و در تعریف آن آمده است که سبب چیزی است که اگر نبود، علت موجب اثر نمی‌شد. (جواهر الکلام ۳۷/۴۹) اما مواردی است اگر وجود نمی‌داشتند، حادثه نیز به وجود نمی‌آمد ولی در عین حال عرف چنین عواملی را سبب حادثه نمی‌داند؛ این‌امور که در واقع زمینه‌ساز وقوع حادثه هستند همان علل بعیده می‌باشند که فقهاء اصطلاحاً آن را «شرط» نامیده‌اند. که ضمانی هم در بر ندارد. به عنوان مثال اگر فردی دوست خود را دعوت به مهمانی کند و در مسیر آمدن به مهمانی تصادف کرده و صدمه ببیند، دعوت‌کننده ضامن نمی‌باشد. در حالی که مسلماً اگر وی از مصدوم دعوت نمی‌کرد، حادثه رخ نمی‌داد، ولی عرف وی را سبب نمی‌داند و برای او ضمانی قائل نیست.

در کتاب قواعد آمده است: «چیزهایی که موجب هلاک می‌شوند بر سه قسم‌اند: شرط، علت و سبب، اما شرط عبارت از چیزی است که تأثیر مؤثر منوط به وجود اوست ولی در علت دخالتی ندارد، و لذا موجب قصاص نمی‌شود ولی سبب، چیزی است که اثر اندکی در ایجاد حادثه دارد (یا بگونه‌ای در ایجاد حادثه اثر دارد) و از این جهت مانند علت است ولی از جهتی دیگر شبیه شرط است و سه مرتبه دارد اول: اکراه، دوم: شهادت غیر واقعی، سوم: دادن غذای مسموم به میهمان و مانند آن» (قواعد الاحکام ۲۵/۵۳۸) سبب در باب ضمان در میان فقهاء دارای تعاریف متعددی است؛ که در ذیل نمونه‌هایی آمده است:

- سبب چیزی است که اگر نباشد، تلف هم حاصل نمی‌شود بلکه برای حصول تلف به علت دیگری نیاز است که آن علت با سبب متفاوت است، اگرچه وجود سبب در اثرگذاری علت مدخلیت دارد به نحوی که اگر سبب نباشد علت تأثیر نخواهد داشت. در عین حال او، علت تلف نیست. مانند حفر چاه، نصب کردن کارد در مسیر راه و انداختن سنگ و آنچه علت تلف در این موارد است، همان لغزیدن می‌باشد. (شرایع الاسلام ۴/۱۰۱۹).

- سبب، ایجاد چیزی است که با وجود آن، تلف حاصل می‌شود اما علت وقوع آن چیز دیگری است! مشروط به اینکه سبب از اموری باشد که انتظار علت تلف با آن وجود داشته باشد به اینکه همراه بودن علت یا سبب فراوان باشد. به دیگر سخن به سبب توجه می‌کنیم اگر علت تلف از آن متوقع باشد در این حالت سبب موجب ضمان است و گرنه موجب ضمان نخواهد بود. (جامع المقاصد فی شرح القواعد ۶/۲۱۳).

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۳۷

- شهید اول سبب را به «فعل ملزوم العله» تعریف می‌کند که منظور ویاز ملزوم علت، امری است که علت بدون آن تأثیری ندارد. یعنی ایجاد عملی که تلف با آن ملازم است. انتظار چنین علتی برود. (غایه المراد فی شرح نکت الارشاد ۲/ ۳۹۲)

- رابطه سببیت از ارکان مهم استقرار ضمان است به گونه‌ای که اگر رابطه سببیت بین زیان و عمل مسئول تحقق نیابد، مسئولیت مدنی (ضمان) تحقق نیافته است. همچنین در صورتی که تقصیر شرط مسئولیت دانسته نشود، رابطه سببیت، به طور کامل شرط مسئولیت می‌باشد. بنابر این هیچ کس مسئول جبران خسارت غیر نیست مگر اینکه زیان دیده اثبات کند که خسارت منتسب به اوست. و اگر به درستی معلوم نباشد که ضرر و زیان حادث شده، معلول و مسبب خطای شخص مفروض است در این صورت، مسئولیت مدنی و آثار آن قابل اثبات نمی‌باشد. بنابراین در مواردی مانند قوه‌ی قاهره یا بلایای طبیعی که تنها علت حادثه بوده و به طور عادی غیر قابل دفع است استناد ممکن نیست؛ مانند اینکه بر اثر نیروی زلزله خودرویی از مسیر خود منحرف شده و بر اثر برخورد به سایر وسایل نقلیه حادثه آفریده است همچنین می‌توان به پدیده تشدید^۲ اشاره کرد. یک نمونه مشهور از قدرت تخریب این امواج مرتعش پل تاکوماناروز است که در سال ۱۹۴۰ توسط بادی با سرعت ۴۰ مایل در ساعت (۶۴ کیلومتر در ساعت) تخریب شد. بررسی‌های دقیق از محل نشان می‌دهد که در آن روز باد با سرعت به پل ضربه زده و با برخورد قائم به پل باعث ارتعاش شده است. این بادهای متوالی لرزش و ارتعاش را افزایش داده تا آنجا که این امواج توانستند پل را فرو ریزند (www.scapa.mihanblog.com). اگر چه امروزه با تدابیر علمی پیشرفته می‌توان از

۱- ایجاد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی شرایط و عناصر یکسانی دارد که از آن به ارکان مسئولیت مدنی یاد می‌شود و شامل سه رکن (ضرر، ارتکاب فعل زیان بار و احراز رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که حادث شده است) می‌باشد. به گونه‌ای که در صورت تحقق ارکان آن، می‌توان ضمان را به فردی منتسب کرد و در نتیجه آن، شخص خسارت دیده می‌تواند ادعای جبران خسارت نماید. نیز در تحقق ضمان قهری- سازندگان و عرضه کنندگان محصولات صنعتی که منشأ آن عیب کالا است، حصول شرایطی ضروری است: وجود عیب، ورود ضرر و خسارت و نیز احراز رابطه علیت بین ضرر و عیب موجود در کالا. لذا برای تحقق ضمان مجموع همه ارکان لازم است به عبارتی از نوع عام مجموعی می‌باشد. (وجود عیب در کالای تولیدی به منزله ارتکاب فعل زیانبار است.)

۲- پدیده تشدید، ارتعاش در چیزی است که توسط نیروی خارجی به وجود آمده و با ارتعاش طبیعی اصل آن چیز، هماهنگ و هم موج است نوعی نیرویی است، افسار گسیخته که می‌تواند بر روی پل اثرات مخربی بگذارد. امواج تشدید کننده از میان پل به صورت امواج عبور خواهد کرد و باعث تخریب پل می‌شود.

وقوع چنین حوادثی پیشگیری کرد، ولی در زمان خود، قوه‌ی قاهره تنها سبب حادثه بوده است.

بنابراین، برای عدم انتساب خسارت به سازنده، لازم است که اولاً حوادث ناشی از قوه‌ی قهریه از لحاظ فنی یا عرفی قابل پیش‌بینی و پیش‌گیری نباشند، مثلاً به جهت اینکه در ساختمان‌های بلند، احتمال برق‌گرفتگی ناشی از صاعقه وجود دارد، اگر به طریقه‌ی فنی، مثل استفاده از رسانه فلزی، اتصال جریان برق به زمین هدایت نشود و با آمدن صاعقه ساختمان تخریب‌گردد، سازنده نمی‌تواند در این خصوص برای تبرئه‌ی خود به قوه‌ی قهریه استناد نماید؛ ثانیاً قوه‌ی قهریه مانع انجام تعهد سازنده به عمل کردن محصول صنعتی باشد و لذا اگر قوه‌ی قهریه اخلاقی در کارکرد و فعالیت محصول صنعتی ایجاد نکند، توجیهی برای انتفای مسئولیت سازنده نیست و ثالثاً سازنده در ایجاد قوه‌ی قهریه از روی عمد یا تقصیر دخالت نداشته باشد، هر چند که مسئولیت او به موجب قانون مفروض باشد (ضمان قهری/۲۹۲)

در مثال‌های فوق به جهت فقدان رابطه سببیت بین عیب کالا و ضرر حادث، تولید کننده و عرضه کننده ضامن نیستند. اما در جایی که قوه‌ی قاهره یکی از دلایل وقوع خسارت است و خسارت نتیجه‌ی دخالت عامل انسانی و عوامل قهری و طبیعی به شکل طولی یا عرضی است، این حادثه به عامل انسانی منتسب می‌شود و تأثیر عامل طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود مثل این که به علت همراه نداشتن زنجیر چرخ و سایر وسایل ایمنی در جاده، ناگهان به علت برف و کولاک شدید، خودرو در مسیر لغزنده و طوفانی، تعادل خود را از دست داده و باعث بروز خسارت می‌شود. همین حادثه اگر در فصل گرما اتفاق افتد، قوه‌ی قاهره تنها عامل مؤثر بوده است و می‌تواند از عوامل رافع ضمان و یا حداقل محدود کننده ضمان در نظر گرفته شود.

ضمان تسبیب در مقایسه با ضمان اتلاف دشواری‌هایی از حیث استناد دارد؛ زیرا امکان دخالت عوامل متعددی با شدت و ضعف در ایجاد خسارت وجود دارد و در صورت اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع اسباب تعیین ضامن مشکل است. مانند موردی که مصرف کننده کالا با چند واسطه کالا را در اختیار دارد و به جهت عیب در کالا متضرر شده است. و تشخیص این مهم که عیب در کدام مرحله از طرح، تولید و یا نحوه مصرف صحیح و هشدارهای لازم بوده، نیاز به کارشناسی دارد، حال ضمان منتسب به کدامیک از تولیدکننده، فروشنده‌ی حرفه‌ای، فروشنده‌ی جزء، واسطه و غیره است؟ در پروژه‌های بزرگی که دولت

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۳۹

به پیمانکاران واگذار می‌کند، مثل متروها، پلها و تونلها و... پس از تحویل و شروع بهره برداری، اگر فرو ریختند و ضرر و زیان جانی و مالی به وجود آوردند، چه کسی ضامن است؟ دولت، پیمان کار، یا هیچ کدام؟ و یا آپارتمان یا برجی بر اثر رعایت نکردن اصول فنی، فرو ریخت و عده‌ای را به کام مرگ کشید و یا به اموال و اشیای مردم، صدمه زد. در چنین مواردی که در ایجاد زیان، بیش از یک سبب مدخلیت داشته و مباشر هم یا وجود نداشته و یا با وجود آن مستول قلمداد نگردد موضوع تعدد اسباب مطرح می‌شود. در بحث «تعدد اسباب» تلاش می‌شود تا از میان اسباب متعددی که موجب بروز یک خسارت می‌شوند، آن سببی که سزاوار تحمل چنین مسئولیتی است، تعیین گردد. برای تبیین این موضوع ضمان سبب و مباشر و اجتماع اسباب قابل بحث است.

۲-۱- اجتماع سبب و مباشر

در منابع فقهی، قاعده‌ی اصلی در مورد دخالت سبب و مباشر در ورود خسارت و به عبارت دیگر اجتماع سبب و مباشر این است که مسئولیت با مباشر است. در کلیت ضمان مباشر، فقها اتفاق دارند^۱. از عبارات فقها استفاده می‌شود که ملاک و معیار در عنوان مباشر، صدق عرفی نسبت کار به فاعل مباشر است، اعم از این که با وسیله بوده و یا بدون وسیله باشد. مانند: چاه کن و فرو افکننده، گیرنده و ذبح کننده که در هر دو مورد، دافع و ذابح ضامن هستند. (شرایع الاسلام ۱۹/۴) اما در بعضی از مصادیق تسبیب اختلاف نظرهایی وجود دارد. در فرضی که سبب قوی‌تر از مباشر باشد و نقش آن در ورود خسارت بیشتر باشد مسئولیت با سبب اقوی است و فقها در این مورد اتفاق دارند. عوامل اقوی بودن سبب، عبارت از آن است که یکی از عوامل، موجب اجبار، اکراه، اضطراب یا غرور عامل دیگر شده یا از جهل، کودکی یا دیوانگی او سوء استفاده کند. عنصر روانی نیز در پاره‌ای از حالات از عوامل اقوا بودن است. اقوائت باید به شکل قطعی یا اطمینان آوری ثابت شود بنابراین مادامی که این امر ثابت نشود اصل بر ضمان طرفین است بر این اساس اگر مباشر به حال سبب جاهل باشد سبب ضامن است. مانند اینکه اگر پزشک آمپول یا دارویی را به خطا تجویز

۱- ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقها، مباشر را در صورت در اجتماع مسبب و مباشر، ضامن می‌داند. زیرا غلبه در اجتماع مسبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب".

کند و پرستار آن را به مریض تزریق کند و یا بخوراند و موجب هلاک مریض گردد، پزشک به علت اینکه سبب اقوا از مباشر است ضامن است.

۲-۲- اجتماع اسباب

در مواردی چند سبب با یکدیگر جمع شده و موجب نتیجه زیان‌باری می‌گردد، به نحوی که نتیجه قابل انتساب به مجموع آن‌ها می‌باشد و مباشری در میان نیست، یا بر فرض وجود، مباشر مسئول شناخته نمی‌شود، و حادثه قابل انتساب به او نمی‌باشد. فقها و حقوق‌دانان این حالت را اجتماع اسباب یا تداخل اسباب نامیده‌اند. اجتماع اسباب در دو حالت قابل تصور است: اجتماع اسباب به نحو عرضی؛ اجتماع اسباب به نحو طولی. هرگاه چند سبب در زمان واحد با هم موجب خسارت بشوند، و اثر آن‌ها فاقد تقدّم و تأخّر زمانی باشد، اجتماع آن‌ها به نحو عرضی است. یعنی در یک زمان چند سبب با مشارکت یکدیگر زیانی را ایجاد نمایند به طور مثال یک نفر قهوه مقتول را آلوده به سم کرده و دیگری چای او را و شخص در اثر تأثیر هر دو سم فوت کند یا چند نفر با یکدیگر اتومبیل را واژگون کنند و سبب خسارت گردند. (الزام‌های خارج از قرارداد، ش ۲۱۲)

در حالت اجتماع اسباب به نحو عرضی تعیین اسباب مسئول امر مشکلی نیست زیرا حادثه قابل انتساب به همه آنان می‌باشد و رابطه‌ی سببیت میان فعل و نتیجه برقرار است. به همین دلیل فقها (جواهرالکلام ۵۷/۳۷) اجتماع اسباب به نحو عرضی را اشتراک در جنایت می‌دانند^۱ و همه‌ی کسانی را که در وقوع جنایت نقش داشته‌اند ضامن می‌دانند و تنها بحث در میزان مسئولیت آن‌ها است که تبیین میزان مسئولیت در گنجایش این مقاله نیست. اما هرگاه دخالت عوامل متعدّد در وقوع نتیجه با تقدّم و تأخّر زمانی همراه باشد به نحوی که یکی علت وجود دیگری است، اجتماع به نحو طولی است. (الزام‌های خارج از قرارداد/۴۶۲) طولی باشد یعنی نخستین سبب، سبب دوم را ایجاد کند و سبب دوم، سبب سوم را و به همین ترتیب تا به زیان منجر شود. تعیین سبب در اجتماع اسباب به نحو طولی، از مشکل‌ترین و بحث‌برانگیزترین حالت اجتماع اسباب است و مورد اختلاف فقیهان و

۱- قانون‌گذار نیز به تبعیت از فقها در ماده‌ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۷۰، نظر به حالت اجتماع عرضی اسباب دارد و هر دو را ضامن می‌داند.

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۴۱

حقوق دانان می‌باشد.^۱ معیار پیشنهادی فقهای امامیه، در عمل کرد «سبب مقدم در تأثیر»^۲ است. در جمع‌بندی نظرات فقیهان و حقوق دانان این نتیجه حاصل می‌شود که: در فرض اجتماع طولی اسباب، ضمان بر عهده‌ی عاملی است که زمینه‌ها را در تحقق خسارت از قوه به فعل می‌آورد و تنها اسبابی عهده‌دار ضمان حاصل از رویداد زیان‌بار هستند، که اولاً اثر مستقیم در حادثه داشته باشند ثانیاً تناسب ذاتی و علی میان طبیعت آنان و زیان وارده وجود داشته باشد.

به‌طور مثال، اگر عیب در مرحله تولید، منجر به حدوث خسارت گردد. و خسارت منتسب به چند سبب باشد، به عنوان مثال موتتاژ کار بر اثر اهمال و به‌طور اتفاقی موجب نقصی در تولید کالا شده‌است. در مراحل بعدی مانند بازرسی و کنترل نیز مأمور کنترل متوجه ایراد و نقص فنی نشده است و هنگام مصرف این کالا توسط مصرف کننده، حادثه‌ای رخ دهد، با توجه به اینکه سبب اقوی از مباشر است، مباشر (مصرف کننده) ضامن نیست. ولی آیا می‌توان سبب واحدی را ضامن دانست؟ در این صورت، فقط مأمور کنترل

۱- برخی نظریات ارائه شده درباره اسبابی که با هم ضرری را ایجاد می‌کنند، بدین قرار است: نظریه سبب مقدم در تأثیر، نظریه‌ی سبب مؤخر در وجود و نظریه‌ی ضمان همه‌ی اسباب.

۲- مشهور فقها، سبب مقدم در تأثیر را مسئول می‌دانند و قانون گذار نیز در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی آن را مورد تأیید قرار داده است. منظور از سبب مقدم در تأثیر، سببی است که اولین اثر را در ایجاد حادثه زیان بار دارد. مثلاً کسی که سنگی را گذاشته و دیگری چاهی را حفر کرده است، مسئولیت متوجه شخصی است که سنگ را گذاشته است. در این نظریه به زمان ایجاد سبب توجه نمی‌شود بلکه سببی که ابتدائاً در حادث شدن ضرر تأثیر داشته، ضامن شناخته می‌شود. دلیلی که صاحب جواهر برای این حکم می‌آورد آنست که به محض این که شخص با سنگ برخورد می‌کند واضع سنگ ضامن می‌شود و ما شک داریم که آیا حافر چاه نیز ضامن است یا نه، حکم ضمان واضع را استصحاب می‌کنیم و بر دیگری ترجیح می‌دهیم. (جواهر الکلام ۴۳ / ۱۴۶) آیت الله خوئی نیز می‌فرماید: من دلیلی جز استصحاب، بر این حکم نیافته‌ام. (مبانی تکلمه المنهاج، ج ۲، مسأله ۲۷۲)

عده‌ای از فقها سبب مقدم در تأثیر را به مباشر قیاس کرده‌اند. این مسأله در بدو امر و ظاهر کلام فقهاء برداشت می‌شود. ابن قدامه در این مورد می‌گوید: «لان واضع الحجر کالدافع له» (المغنی ۹/۵۶۵) یعنی کسی که سنگ را قرار می‌دهد حکم کسی را دارد که شخص را به درون چاه بیندازد یعنی حکم مباشر را دارد. همان طور که اگر کسی به‌طور غیر قانونی چاهی بکند و دیگری شخص ثالثی را در آن بیندازد فقط کسی که مجنی علیه را انداخته ضامن است. زیرا ارتباط عمل حافر را با جنایت قطع نموده است. در واقع، واضع سنگ نیز همین طور است.

مسئول است؟ یا مونتاز کار؟ بنا به نظریه سبب مقدم در تأثیر که نظر مشهور فقهاء و قانون مجازات اسلامی است، در صورتی که هر دو متعدی باشند، مأمور کنترل ضامن دانسته می-شود. ولی اگر عمل یک نفر مجاز و دیگری غیر مجاز باشد شخص متعدی ضامن است. اگر ایراد شود که در واقع سبب مقدم در تأثیر، سبب دیگر را که یک خطر بالقوه است را به خطری بالفعل تبدیل می نماید ولی در فرض مذکور که عمل هر دو سبب به صورت ترک فعل است، اعمال این نظر وجیه نمی باشد، می توان ادعا کرد که اولاً هر چند مأمور کنترل مرتکب عملی نشده است، ولی در وظیفه قانونی خود مرتکب تقصیر شده است. ثانیاً عرف به ضامن مأمور کنترل حکم می کند. زیرا مونتاز کار می داند پس از عمل وی بازرسی صورت می پذیرد، ولی مأمور کنترل می داند که بازرسی نهایی عیوب کالا بر عهده وی است.

۳- قاعده غرور

قاعدهی غرور از جمله اسباب ضمان است، مفاد قاعدهی «المغرور یرجع الی من غره» بدین معنا است که اگر شخصی کاری انجام دهد که موجب وارد شدن خسارت به دیگری گردد و منشأ آن فریب خوردن وی از شخص اول باشد هر چند شخص اول قصد فریب دادن شخص اخیر را نداشته و خودش نیز فریب خورده یا ناآگاه و در اشتباه بوده باشد؛ غرور صدق می کند (بجنوردی، قواعد فقهیه ۲۲۵/۱) مطابق تعریف فوق لازم نیست شخص اول قصد فریب و خدعه داشته باشد. بلکه ممکن است خودش هم از دیگری گول خورده باشد. همین مقدار که از او فعلی صادر گردد که دیگری باتوجه به آن فریب، بخورد برای صدق عنوان غرور کافی است. آن چه از مفاد قاعده غرور برمی آید این است که اگر غار سبب شود مغرور مال دیگری را تلف کند، ضمان ابتدائاً برعهده مغرور ثابت می شود و در طول ضمان او غار نیز ضامن است و مغرور می تواند به او رجوع کند. ثمره فقهی این مطلب عبارت است از اینکه مالک می تواند به هر یک از غار و یا مغرور رجوع کند و اگر به مغرور رجوع کرد او حق دارد به غار رجوع کند. اگر چه مطالب مذکور به نظر وجیه است اما شرطیت یا عدم دخالت عناصر علم و قصد در این قاعده مورد اختلاف فقها است و چند نکته در این قاعده مورد بحث است:

۱- غرور، در لغت به معنای چیزی است که مایهی جهل و غفلت انسان می شود. (المعجم الوسیط، استانبول، دارالدعوه، بی تا، ص ۶۴۸)

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۴۳

اولاً جهل مغرور در عنوان غرر اخذ شده است و در تحقق مفهوم غرور جهل به واقع شرط است به نحوی که هر زیانیاز ناحیه شخصی بردیگری که جاهل به واقع است وارد شود به نحوی که فریب و حيله او موجب زیان گردد وی ضامن است اگرچه مغرورکننده استیلائی بر مال نداشته و عنوان «متلف» نیز بر او صدق نکند.

ثانیاً اگر غارّ، علم به تحقق غرور داشته باشد و شخص مغرور، جاهل به واقع باشد، (فاضل لنکرانی، قواعد فقهیه/۲۲۸) غرور محقق می‌شود و ضمان بر عهده‌ی غارّ است. اما محل اشکال این است که آیا در ناحیه غارّ، علم شرط است؟ این مسأله مورد اختلاف فقها است؛ برخی از ایشان (العناوین/۲/۴۳۹) بر این باورند که آگاهی شخص غارّ در صدق غرور، شرط نیست. زیرا، تعلیل‌های وارد در ادله‌ی این قاعده مطلق‌اند؛ تعبیری از قبیل «لانه دلسها» و «کما غر الرجل و خدعه» که در روایات آمده است، صورت جهل و یا غفلت غارّ را هم شامل است.

در مقابل، برخی از فقها بر این باورند که در صورتی شخص غارّ ضامن است که علم داشته باشد. به دلیل اینکه با جهل و غفلت غارّ، صدق خدعه و تدلیس محرز نیست و با شک، نوبت به اصل عملی می‌رسد و آن، اصل عدم خدعه و تدلیس است.

به نظر می‌رسد که علم و جهل، در غرور دخالت ندارد، زیرا ضمان از احکام وضعی است و این دسته از احکام، فی حد ذاته تابع علم نیستند. و از طرفی یکی از ادله قاعده غرور، بناء عقلاء است و عقلاء در ضمان غارّ فرقی میان صورت علم و آگاهی او با صورت جهل و غفلت او نمی‌گذارند. مسلم است که در صورت جهل، او را مستحق توبیخ نمی‌دانند. آنچه در غرور موضوعیت دارد، ترغیب دیگری (مغرور) از ناحیه غارّ است به عملی که انجام آن منجر به ضرر و زیان ثالثی شده است.

ثالث عنوان قصد خدعه و اضرار، در ضمان غارّ دخالت ندارد، چرا که تغیر از عناوین قصدیه نیست و عنصر اصلی تغیر، همانا ترغیب دیگری به عمل زیان‌بار است هر چند که ترغیب‌کننده جاهل بوده و یا حتی اگر تصور نفع داشته باشد. (بجنوردی، القواعدالفقهیه ۱/ ۲۷۷)

قاعده غرور در دو وجه نفی و اثبات ضمان تولیدکننده قابل استناد است؛ به گونه‌ای که اگر تولیدکننده خود باعث فریب مصرف‌کننده یا سایر عرضه‌کنندگان شده باشد و این امر منجر به خسارت گردد، موجب ضمان تولیدکننده و در صورتی که فعل ثالث موجب فریب و در

۱- لازم به یاد آوری است که، قصد خدعه و غرور، شرط تحقق حرمت تکلیفی است ولی شرط ضمان نیست.

نهایت منجر به خسارت گردد؛ رافع ضمان است مانند اینکه ثالثی مستقل و غیر مأذون از تولیدکننده (مانند عرضه‌کنندگان) در تنظیم و عملکرد کالا و در تغییر و تبدیل کالا نقش داشته باشد و در نتیجه‌ی آن خسارتی بر مصرف‌کننده وارد شود، به واسطه اینکه حادثه منتسب به اوست؛ ضامن است و یا عرضه‌کنندگان از ارائه‌ی اطلاعات یا هشدارهای لازم خودداری کرده باشند؛ حادثه منتسب به آنهاست و ضامن هستند. نیز در مواردی که فروشنده مواد غذایی تاریخ دار از اعتماد خریدار سوء استفاده کرده و مواد غذایی گذشته را فروخته و این امر منجر به مسمومیت مصرف‌کننده شده باشد، از باب غرور و تسبیب ضامن است. زیرا شرط قاعده‌ی غرور، جهل مغرور است و علاوه بر آن عمل غارّ همراه خدعه و فریب است. در فرض مذکور خریدار جاهل به فساد مواد غذایی است و فروشنده از اعتماد خریدار سوء استفاده کرده است، اگر چه فروشنده از فساد مواد غذایی اطلاع نداشته باشد، می‌توان وی را ضامن دانست. همچنین اگر ثالثی نام و مارک تجاری خود را بر روی کالای تولیدی دیگری - بالاخص کالای تولیدکنندگان خارجی - برچسب کرده باشد، می‌توان وی را مسئول دانست. چه کالا سر بسته باشد یا نباشد. چه با این اقدام، وی در برابر مصرف‌کننده متعهد به ایمنی شده است زیرا خریدار نیز با اعتماد به نام فروشنده وارد معامله شده است در این موارد نیز ثالث از باب غرور و تسبیب ضامن است و این گونه اقدامات رافع ضمان تولیدکننده است.

حال اگر فروشنده از عیب کالا مطلع باشد و به خریدار اطلاع ندهد، بنا به قاعده اقدام، ضمان را از عهده تولیدکننده بر عهده خود منتقل کرده است لذا ضمان فروشنده ثابت است؛ و او نمی‌تواند به تولیدکننده رجوع کند؛ زیرا در این مورد تولیدکننده غارّ نیست و شرط قاعده غرور، جهل مغرور است و در مورد فوق فروشنده عالم به عیب کالا بوده است.

در خسارت ناشی از عیب کالا گاه دخالت چند سبب، علت خسارت هستند ولی مصرف‌کننده نمی‌تواند در صورت خسارت ناشی از کالا، از هر یک مطالبه خسارت نماید. ولی در برخی از موارد متضرر می‌تواند عدم دخالت ایادی واسطه را با توجه به شواهد و قرائن اثبات نماید. مانند این که متضرر کالایی سر بسته را از جزئی فروش می‌خرد و در حین مصرف خسارتی حاصل می‌شود، علت این ضرر بیشتر به تولیدکننده مربوط است تا جزئی فروش؛ به جهت اینکه اولاً امکان آگاهی از عیب برای او نبوده است و در هیچ مرحله از ساخت و طرح و تعلیم دخالت نداشته است. ثانیاً وی در محدوده ضمان قراردادی است، بنابر این فقط ملزم به بازگرداندن ثمن می‌شود و جبران خسارت به عهده وی نیست. ولی از طرفی به نظر

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۴۵

می‌رسد بتوان فروشندگانی که عیب کالا به آنان منتسب نیست را نیز ضامن دانست؛ زیرا این افراد، هر چند به عیب یا حوادث احتمالی جاهل بوده باشند، از باب غرور، موجب استفاده‌ی مصرف کنندگان از کالاها و در نتیجه، زیان به آنها گردیده‌اند و با لحاظ سبب اقوی از مباشر، حوادث به آنها و ایادی قبلیشان منتسب است. در این صورت هر یک از این توزیع کنندگان، پس از تحمّل جبران ضرر در مقابل مصرف کنندگان، مستحق اخذ آن از ایادی قبلی خود خواهند بود. زیرا آنان نیز می‌تواند به کسی که کالا را از طریق وی تحصیل کرده رجوع کرده تا به مسبب اصلی دست یابند.

۳- قاعده لاضرر

شکّی نیست که به موجب قاعده‌ی لاضرر، احکام وجودی که مستلزم ضررند، نفی می‌شوند. حال سؤال این است که چنانچه از فقد یک امر وجودی ضرر حاصل شود و عدم حکمی متضمن ضرر باشد، آیا می‌توان به قاعده‌ی لاضرر متمسک شد و به موجب آن حکمی را وضع کرد؟ آیا مفاد لاضرر منحصرأً نفی حکم است یا اثبات حکم را نیز در بر می‌گیرد؟

در فقه اهل سنت از «لاضرر» به عنوان دلیل عام برای اثبات ضمان استفاده شده و قاعده‌ی «الضرر لایزول» را بر آن مترتب ساخته و تردیدی در تعمیم مفاد حدیث به نفی حکم ضرری و حکم ضمان بر افعال زیان آور دیده نمی‌شود و برخی لاضرر را امری مسلم بین مذاهب اهل سنت تلقی کرده و بعضی نیز آن را از ضروریات دین به شمار آورده‌اند. (موجبات ضمان ۱۰۷/۱) لیکن در فقه شیعه حکم به ضمان از ناحیه لاضرر مورد اختلاف است. بنابراین پذیرش و یا عدم پذیرش مثبت حکم بودن لاضرر، باعث گردیده تا نتیجه و احکام حاصل از قاعده را در مورد مسائلی مانند مسائل ذیل بسیار متفاوت نماید.

جمعی از فقهای امامیه در تفسیر قاعده برآنند که هر نوع ضرر جبران نشده باید جبران شود. بر این اساس، قاعده لاضرر از جمله اسباب و دلایل ضمان قهری به شمار می‌رود. بنابر نظر منسوب به فاضل تونی و مرحوم میرفتاح مراغی مفاد قاعده‌ی لاضرر نفی ضرر غیر متدارک است؛ به عبارتی ضرر غیر متدارک در اسلام وجود ندارد و هر کس ضرری به دیگری وارد کند، ملزم به جبران و تدارک آن خواهد بود. (العناوین الفقهیه ۳۱۱/۱) مرحوم سید کاظم یزدی نیز قائل به ضمان به استناد قاعده لاضرر شده‌اند. عدّه‌ای از فقها، از «لا» معنای نهی برداشت نموده‌اند. بنابراین نظر، افراد از ایراد ضرر به غیر منع شده‌اند. (اصفهان‌ی، مسأله‌ی لاضرر / ۲۵) هر چند در مورد دامنه این منع و آثار آن نیز بین این دسته از فقها

اختلافاتی وجود دارد، ولی لازمه تفسیر به نهی از ایراد ضرر، تکلیف به جبران ضرر وارده خواهد بود. (العناوین الفقهیه ۱ / ۳۱۱).

با وجود این، ایراداتی بر اثبات ضمان با لاضرر وارد شده است:

۱- لاضرر تنها سبب می‌شود احکام وضعی و تکلیفی که در مورد خاص موجب ضرر فرد می‌شوند، منتفی شوند، ولی اثبات ضمان نمی‌کند.

۲- قاعده لاضرر امتنانی است و اگر ضمان و جبران خسارت را اثبات کند خلاف امتنان است بر شخص مضمون، از این روی جاری نمی‌شود.

۳- جریان قاعده لاضرر در ناحیه متضرر، معارض با جریان قاعده در ناحیه ضار است، پس از تعارض و سقوط هر دو از حجیت، نتیجه رجوع به عمومات فوق و یا اصول عملیه است و آن عدم ضمان خواهد بود.

۴- اثبات ضمان موجب پیدایش فقهی جدید است و احکامی را در بر خواهد داشت که با بسیاری از مشخصات فقهی ما مغایر است. (بجنوردی، القواعد الفقهیه ۲۵/۱)

در پاسخ به ایرادات فوق باید گفت: اولاً گاه منشاء ضرر «عدم حکم به ضمان» است و گاه «حکم به عدم ضمان»؛ در صورتی که منشاء ضرر عدم حکم باشد، جا دارد گفته شود، قاعده مشرع و جاعل حکم به ضمان نیست و اما اگر منشأ ضرر حکم به عدم ضمان و یا حکم به براءة از ضمان از ناحیه شارع باشد، این حکم، ضرری است و با قاعده لاضرر برداشته می‌شود. زیرا در این که با قاعده لاضرر حکم ضرری برداشته می‌شود فرقی نیست که ضرر ناشی از حکم به وجوب باشد و یا حکم به عدم ضمان باشد (ملحقات مکاسب، جلد ۳، رساله فی قاعده نفي الضرر) و نیز در حکم به عدم ضمان که با دلیل لاضرر برداشته می‌شود، فرقی در این نیست که واقعی باشد و یا ظاهری و ناشی از اجرای براءة از ضمان؛ لاضرر، برادله دیگر حاکم است و این حکومت اختصاص به احکام وجودی ندارد؛ کما این که تخصیص حکومت قاعده لاضرر به عدم الحکم واقعی در مقابل عدم الحکم ظاهری بی دلیل است.

از این گذشته امر عدمی را به عبارتی می‌توان به امر وجودی برگرداند، مثلاً همان‌گونه که اصل احتیاط و اشتغال یا اصالت البرائه هر کدام حکمی مجعول است، حکم به عدم ضمان، تعبیر دیگری از براءة ذمه است که خود امر وجودی می‌باشد، که می‌تواند مشمول قاعده لاضرر قرار گیرد. و شیخ انصاری نیز این مطلب را قبول دارد ایشان

قلمرو ضمان تولیدکننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۴۷
می‌فرماید: براءت ذمه ضارّ (ضرر زننده) از تدارک (ضمان)، ضرر است. بنابراین این به کمک
قاعده‌ی لاضرر ضمان ثابت می‌گردد.

اما در پاسخ به کسانی که جریان قاعده‌ی لاضرر در ناحیه متضرر را معارض با جریان
قاعده در ناحیه ضار می‌پندارند و می‌گویند که پس از تعارض و تساقط هر دو از حجیت،
نتیجه رجوع به عمومات فوق و یا اصول عملیه است و آن عدم ضمان خواهد بود، می‌توان -
گفت قاعده‌ی لاضرر در جانب ضارّ جاری نمی‌گردد زیرا اگر چنین باشد لازم می‌آید موردی
برای قاعده حتی در قضیه انصاری و سمره بن جندب باقی نماند. علاوه بر این ضارّ چون
خود منشاء ضرر بر متضرر شده است و سبب گردیده است که خسارت را پرداخت نماید از
مصادیق لاضرر نخواهد بود.

باتوجه به مطالب گذشته به نظر می‌رسد قاعده‌ی لاضرر، یک قاعده کلی در خصوص
جلوگیری از ضرر را ارائه می‌کند، اما در مورد نوع جبران یا اقدامی که غرض شارع را تامین -
می‌کند ساکت است. بنابراین دفع ماده‌ی ضرر مانند عمل پیامبر(ص) پیش‌بینی حق فسخ،
تعدیل و جبران خسارات می‌تواند به عنوان طریق وصول به غایت قاعده مورد توجه قرار گیرد.
بنابراین هرگاه در جریان تولید، کالا به علت قصور معیوب گردد، و بر اثر آن عیب خسارتی
فراتر از ارزش کالا بر مصرف‌کننده و یا حتی ناظرین روی دهد، بنابه قاعده‌ی لاضرر و نظر
مختار که این قاعده علاوه بر نفی حکم، در مواقع ضرر اثبات حکم نیز می‌نماید، و در
موضوع بحث به علت بروز خسارت و اینکه عیب در تولید، علت خسارت بوده که ناشی از
قصور تولیدکننده است، ضمان بر عهده‌ی تولیدکننده مستقر می‌شود و اجرای لاضرر در طرف
مصرف‌کننده با لاضرر در طرف تولیدکننده تعارض ندارد و لاضرر در طرف تولیدکننده اجرا
نمی‌شود؛ زیرا تولیدکننده (ضارّ) خود منشاء ضرر بر متضرر شده است و سبب گردیده است که
خسارت را پرداخت نماید، لذا از مصادیق لاضرر نخواهد بود.

تطبیق قواعد ضمان قهری با ضمان تولیدکننده ناشی از عدم اطلاع رسانی

در این بخش اسبابی مورد بررسی قرار می‌گیرند که بر اساس آنها می‌توان قلمرو
ضمان تولیدکننده را در ارتباط با عدم اطلاع رسانی کافی در نحوه‌ی مصرف و هشدارهای
لازم، تعیین کرد. در این خصوص می‌توان قواعد «وجوب اعلام الجاهل فی ما یعطی»،
«قاعده اقدام» و «قاعده تحذیر» را مورد بررسی قرار داد.

۱- قاعده «وجوب اعلام الجاهل فیما یعطی»

مفاد این قاعده عبارت از این است که هر گاه کسی شیء خطرناکی به دیگری که جاهل بر آن است بدهد، باید او را از آن خطر آگاه کند. مستندات این قاعده، روایات و قاعده غرور می‌باشد. روایاتی در ابواب مختلف وارد شده که دلالت بر وجوب اعلام عیب می‌نماید هر چند اکثر روایات درباره آگاه کردن مشتری از نجاست روغن است و نجاست عیب پنهان در مبیع است که باید به خریدار اعلام نماید (مجمع الفوائد و البرهان ۳۶/۸) که حتماً برای سوخت استفاده کند، چرا که استفاده غالب و متعارف روغن برای خوراک است و خوردن نجس حرام است و همچنین روایاتی دال بر حرمت تعزیر جاهل در حکم یا موضوع در محرمات دلالت می‌کند، مانند حکم مفتی که بغیر علم باشد، و در این صورت گناه بر مفتی از باب تسبیب و تعزیر می‌باشد. المیسوط آورده است: هر گاه کسی قصد فروش مال معیوب خود را دارد، واجب است، عیب آن را به خریدار اعلام نماید و در هر حال بایع ناگزیر از اعلام نقص در کالا و مال نجس است. (المیسوط ۱۲۶/۲). علاوه بر روایات و قاعده غرور که مبنای قاعده وجوب اعلام الجاهل فیما یعطی می‌باشند، می‌توان عرف را نیز مؤید این قاعده دانست، چرا که در حقوق موضوعه ایران همیه این مطلب تصریح شده و بر عدم رعایت آن جریمه و مجازات در نظر گرفته شده است (مواد ۳ و ۱۸ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان). همچنین حقوق دانان، عرضه‌کنندگان را مکلف به ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های لازم در مورد چگونگی استفاده از کالا و اطلاع‌رسانی نسبت به عیوبی نمودند که از وجود آن مطلع هستند، و یا تخصص آن‌ها ایجاب می‌نماید که از آن عیوب آگاه باشند. بنابراین عرضه‌کننده در معنای عام خود ملزم به دادن اطلاعات و راهنمایی در مورد نحوه استفاده صحیح از کالا می‌باشد. (جنیدی، مطالعه تطبیقی تعهد به دادن اطلاعات با تأکید بر نظام کامن‌لا ۱۲/۱). لذا به نظر می‌رسد از این قاعده بتوان استفاده ضمان تولیدکننده در صورت عدم اطلاع رسانی از نحوه صحیح مصرف و هشدارهای لازم کرد.

۲- قاعده اقدام

از جمله قواعد کاربردی در موضوع بحث، قاعده‌ی اقدام است که در یک معنا موجب ضمان^۱ و در دیگری مسقط ضمان^۲ می‌باشد در این مبحث، معنای اخیر قاعده، از آن جهت

۱- موجب ضمان بودن در معاملات معوض فاسد مطرح می‌شود که در آن‌جا غیر مالک بر علیه مالک اقدام می‌کند.

۲- رافع ضمان بودن در جایی است که مالک علیه خود اقدام می‌کند.

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۴۹

که رافع ضمان تولید کننده است مورد بررسی قرار گرفته است و می توان گفت محصل اقدام در این معنا همان مباشرت یا تسبیب در ایجاد خسارت است.

بنا بر قاعده «اقدام» اگر کسی با علم و قصد و رضایت، ضرر یا ضمانی را بپذیرد، هیچ کس ضامن او نخواهد بود. برای مثال، اگر کسی مالی را با علم و اطلاع از قیمت آن، به چند برابر بخرد یا مالش را به دیگری بدهد تا به دریا بریزد هیچ کس ضامن این اتلاف مال نیست و از کیسه او رفته است. محکم ترین دلیل قاعده «اقدام» ادله عقلی است، وگرنه در قرآن و روایات دلیلی در این باره یافت نمی شود. (المکاسب ۳/۱۰۳) این قاعده به دلیل اینکه شخص در آن «اقدام به مجانبت» می کند، از مسقطات ضمان معرفی شده است. «اقدام» آن است که مالک احترام مال خودش را از حیث ارزش اسقاط کند و بنا را بر عدم عوضیت و مجانبت بگذارد که در نتیجه، ضمان ساقط می گردد. (موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه/۹۴)

بنابراین هرگاه شخص مصرف کننده به واسطه اقدامات غیر مجاز خود یا به رغم علم به عیب و نقص کالا و یا به واسطه استفاده از کالا در خارج از عمر قراردادی یا عرفاً مفید آن، استفاده نامناسب و غیر متعارف از کالای معیوب داشته و با عدم توجه به علائم و هشدارها مرتکب بی احتیاطی شده و یا برای مهار خطر پس از بروز خطر تلاشی انجام نداده و در ایجاد حوادث خطرناکی که منجر به خسارت شده است دخالت داشته باشد، منطقی و عقلایی نیست که تولید کننده ضامن خسارت باشد لذا فعل مصرف کننده را می توان با استناد به قاعده اقدام، عامل و علت صدمات وارده بر خودش دانست. زیرا مصرف کننده با استفاده نامناسب و غیر متعارف از کالا موجب ورود خسارت خود گردیده و رابطه سببیت بین عیب کالا و خسارت وارده را قطع کرده است و اساساً تولید کننده ضامن نیست. و نیز اگر مصرف کننده کالایی را استفاده کند که عیب طراحی دارد، و این عیب منجر به خسارت شود، از آنجا که عیب در طرح، عیبی است که تنها در یک نمونه از کالا نبوده بلکه در تمامی کالاهای که با آن طراحی ساخته شده باشد، موجود می باشد و خریدار با اطلاع از آن عیب و احتمال ورود خسارت هنگام مصرف از آن مبیع، کالا را خریداری می کند. می توان گفت که مصرف کننده ضامن است. همچنین در مورد کالاهایی که طبیعت آنها باعث بروز خساراتی می گردد؛ مانند شکلات و سیگار، که در این موارد نیز طبق قاعده اقدام خریدار خود حرمت مال خود را از بین برده است و ضامن است. و این اقدام وی، رافع ضمان تولید کننده و عرضه کننده است. و در صورتی که خسارت از کالای خریداری شده بر سایر افراد عارض گردد، ضمان بنا به قاعده اقدام همچنان بر عهده خریدار است.

همچنین در موارد مذکور مصرف کننده از باب تسبیب نیز ضامن خسارات وارده است زیرا بنابر نظریه‌ی «سبب مقدم در تأثیر»، ضامن بر عهده عاملی است که زمینه‌ها را در تحقق خسارت از قوه به فعل می آورد؛ به عبارتی قبل از فعل مصرف کننده خسارتی وجود نداشته و بر اثر فعل مصرف کننده حادثه ایجاد شده است. نیز بنا بر نظریه‌ی «سبب مؤخر در وجود»، سببی که بعداً به وجود آمده ضامن است. پس اگر زیان دیده بعد از علم و آگاهی از عیب کالا، با عمل خود باعث ایجاد خسارت شود، ضامن است. و این عمل زیان دیده رافع ضمان تولیدکننده است. زیرا تا قبل از وقوع آخرین سبب همه چیز در حالت عادی و طبیعی خود قرار داشته است، ولی سبب اخیر این تعادل را برهم می زند و زیان‌ها را وارد می کند، و عمل غلط زیان دیده، از طرفی، سبب نزدیک تلقی شده و رابطه سببیت، بین عیب کالا و خسارت وارده قطع می گردد. و از طرف دیگر، سبب مؤخر در وجود است.

۳- قاعده‌ی تحذیر

قاعده تحذیر مأخوذ از روایت «قد أعذر من حذر» بوده و از مسقطات ضمان است (وسائل الشیعه ۵۰/۱۹) این روایت منسوب به امام صادق (علیه السلام) است که ایشان آن را از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است. ادله فراوانی در خصوص مبنا و دلیل قاعده «تحذیر» بیان شده است. هر کدام از این ادله می تواند دلیلی بر ارزش و حجیت مفاد این قاعده باشد. قرآن کریم، روایات، ادله قاعده تسبیب، شهرت عملی و قاعده‌ی «اقدام» از اهم دلایل قاعده مذکور است؛ مفاد قاعده‌ی تحذیر این است که اگر کسی پیش از اقدام به کاری که احتمال دارد از انجام آن فعل، خطری متوجه دیگری گردد، هشدار دهد و دیگران را از وجود خطری که ممکن است منجر به خسارت جانی و یا مالی نماید، با وجود این، مخاطب یا شنونده به هشدار وی بی توجهی کند و ترتیب اثر ندهد و خود را در معرض خطر قرار دهد، هشداردهنده ضامن نمی باشد (محقق داماد، قواعد فقه ۲/۲۳۵) بنابراین، اساس این قاعده، در مواردی که عدم توجه به آن موجب ضمان و مسئولیت مدنی یا کیفری است، می تواند رافع مسئولیت باشد و ضامن را از ذمه مکلفان و اشخاص حقیقی و حقوقی بردارد.

البته در رافعیات این قاعده شرایطی لازم است؛ شهید ثانی در این باره چنین بیان می دارد که وقتی ضامن بر عهده رامی قرار نمی گیرد که هشدار بدهد به گونه‌ای که مرمی آن را بشنود و قدرت بر فرار از حادثه داشته باشد پس اگر مرمی صدای رامی را نشنید و یا امکان فرار و دور شدن از صحنه خطر را نداشت دیده بر عاقله رامی است. (مسالك

قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف — ۱۵۱
الافهام/۱۵/۳۴۲) از متن بیان شهید ثانی بر می آید که عناصر لازم برای رفع مسئولیت به
قرار زیر است :

۲- هشدار بایستی به نحوی مؤثر باشد که هشدار و اعلام خطر را به سمع کسانی
که در معرض خطر هستند برساند. بدیهی اعلام است که این خطر با توجه به مکان و
موضوع خطر آفرین متفاوت خواهد بود ولیکن این هشدار باید بگونه‌ای باشد که در صورت
لزوم حذار دهنده بتواند ثابت کند که در حدّ متعارف^۱ هشدار لازم را داده است و برای محکمه
هم با توجه به عرف متعارف در خصوص موضوع خاصی که نسبت به آن مرافعه شده است
قابل قبول باشد که اعلام خطر انجام گرفته است. بنابر این اگر کالا عیب پنهان یا وضعیت
معیوب مخفی داشته باشد، به نحوی که مصرف کننده با بررسی متعارف قادر به کشف آنها
نباشد و قصور در نحوه‌ی راهنمایی و هشدار از سوی عرضه کننده به مصرف کننده صورت
پذیرد و منجر به ضرر گردد، از آنجا که عرضه کننده می‌بایست بنا به شرط بنایی و قاعده
«وجوب اعلام الجاهل فیما یعطی»، آگاهی‌های مقدّم بر مصرف را به خریدار اعلام می‌کرد
و آن را طوری در معرض سایر مصرف‌کنندگان قرار می‌داد که برای آنها هم شناخته شده
باشد، عرضه کننده بنا به قاعده‌ی تحذیر ضامن خسارات وارده است. زیرا وی وظیفه داشته
تمام خطرات را به خریدار در حد متعارف و با شرایط مذکور در قاعده تحذیر را به خریدار و
مصرف‌کننده آموزش دهد؛ یکی از این شرایط ضروری بودن اعلام خطر به نحو صریح
و متعارف است و بدیهی است که یکی از طرق راهنمایی و هشدار مصرف کننده، ضرورت
تحویل بر چسبها و بروشورهای مربوط به نکات لازم الرعایه در استفاده از کالا است.
قصور از افشای اطلاعات مزبور موجب نقض تعهد به دادن اطلاعات گشته و در صورت
حدوث خسارت ضامن خواهد بود. بنابر این، در موردی که استفاده نادرست کالا باعث بروز
صدمات جسمی می‌شود و یا منجر به حوادث جبران ناپذیری می‌گردد، الصاق یک برچسب با
نوشته‌ای که با چشم غیر مسلح به سختی می‌توان از محتویات آن مطلع شد، و در ضمن
پرهیز از نوع خطر بزرگ داده نشود و از عباراتی کلی استفاده شود؛ مثلاً نوشته شود «برای

۱- در تعبیر واژه‌ی متعارف گفته شده است که فروشنده، لوازم ایمنی مصرف‌کننده و خطرهای احتمالی
مصرف را به خریدار گوشزد کند. برای نیل به این مقصود وجود سه شرط در آن ضروری است: دقت مصرف
کننده را در آن جلب کند، خطرهای احتمالی را یاد آور شود و درجه این احتمال را ارزیابی کند، شیوه‌ی احتراز
از خطر را تعلیم دهد.

سلامتی مضر است» و «سفید کننده با اسید ترکیب نشود». اینگونه هشدارها مانع ضمان هشدار دهنده نمی‌باشد. چرا که هشدار به طور صحیح و متعارف صورت نگرفته است. در این موارد اگر چه مصرف کننده مباشر تلف بوده، اما سبب اقوی از مباشر است و ضمان بر تولیدکننده ثابت است.

۳- خسارت دیده باید هشدار را شنیده باشد یعنی اگر مصدوم کر و ناشنوا باشد یا صداهای دیگر چنان در محیط پیچیده باشد که بر صدای هشداردهنده غالب بوده و مانع رسیدن هشدار وی به مخاطبین باشد، یا صدای هشداردهنده نارسا و مبهم باشد بگونه ای که نتواند هشدار خود را صریح و آشکار به دیگران برساند و به همین دلیل هشدار وی به مجنی علیه نرسیده باشد و سایر عللی که می‌توانند مانع رسیدن هشدار به مخاطب باشد، ضمان رامی را زایل نکرده و ضمان به عهده او باقی خواهد ماند. بدیهی است که رساندن اطلاعات و هشدار در هر کالایی حسب مورد است. مثلاً در خصوص کالایی که از کشور دیگر وارد می‌شود و به زبان بیگانه است، از راه ترجمه بروشور و برچسب می‌باشد. در مورد کالاهای پیچیده از طریق آموزش متخصص مربوطه است. لذا اگر تولیدکننده یا عرضه‌کننده هشدارهای لازم و خطرات احتمالی و همچنین طریقه صحیح مصرف را توسط برچسب‌ها الصاق نماید و بروشورهای مربوط به نکات ایمنی را تحویل نماید، لیکن به دست مصرف کننده نرسد به عنوان مثال بر چسب قبل از رسیدن به دست مصرف کننده جدا شود، ضمان همچنان بر تولیدکننده و عرضه کننده ثابت است. زیرا وی احتیاط لازم را در نصب برچسب انجام نداده و به تبع آن هشدار به مصرف کننده نرسیده است و نقص در الصاق هشدار نتوانسته رافع ضمان از باب تحذیر شود. لذا از باب قاعده‌ی تسبیب ضامن خسارات وارده است، مگر اینکه علل خارجی مانند قوای طبیعی، دخالت اشخاص ثالث و فعل زیان‌دیده در این عمل دخالت نمایند، در صورت احراز هر یک از موارد مذکور ضمان تولیدکننده رفع می‌شود.

۴- امکان دورشدن از صحنه خطر برای مخاطب وجود داشته باشد که در این مهم، داشتن زمان کافی جهت گریز از صحنه خطر، دارا بودن توانایی و قدرت جسمی لازم برای دورشدن از صحنه خطر و سایر شرایط و اوضاع و احوال که اجازه دورشدن را به متضرر بدهد باید فراهم بوده باشد. مثلاً در خصوص کالاهای بسته‌بندی شده، کالا نباید قبل از خارج شدن از بسته‌بندی، ایجاد خطر نماید. ضمان در فرض فقدان هر یک از عناصر مذکور همچنان بر عهده عرضه‌کننده باقی است.

۵- هشدارگیرنده خود را در معرض خطر قرار داده باشد: با توجه به روایات وارده در خصوص قاعده تحذیر، در صورتی که هشدارگیرنده با محقق شدن سایر شرایطی که در رافعیت ضمان هشداردهنده ذکر شد، خود را در معرض خطر قرار دهد، به عبارت دیگر بدون توجه به هشدار، دست به اقدامی زند که نتیجه زیان باری به دنبال داشته باشد، ورود خسارت به استناد قاعده اقدام، نتیجه فعل هشدارگیرنده می‌باشد. مثلاً اگر مصرف کننده اقدام به بی‌مبالاتی کند، خود ضامن است، زیرا خطر آشکار، نیاز به هشدار ندارد؛ در عرف کسی ادعا نمی‌کند که فروشنده‌ی قیچی فلزی باید از خطرات قطع سیم برق توسط قیچی هشدار دهد. زیرا وی با علم به خطر و ضرر اقدام به فعل خطرآفرین نموده و در صورت بروز خسارت، ضمانی متوجه تولیدکننده و یا عرضه کننده نخواهد بود اگر مصرف کننده بر اثر استفاده‌ی نامتعارف خسارتی به بار آورد بنا به قاعده‌ی اقدام و قاعده‌ی اتلاف ضامن خسارات وارده است. زیرا نیازی نیست تا خطرهای ناشی از استعمال نامتعارف و حوادث ناشی از آن، آموزش داده شود؛ به عنوان مثال، به خریدار شمع تذکر داده نمی‌شود که ادکلن را بر روی شمع نریزد. در موارد فوق ورود خسارت به استناد قاعده‌ی اقدام، نتیجه فعل هشدارگیرنده می‌باشد و بنا بر قاعده تحذیر رافع ضمان هشدار دهنده است، در صورتی که ادعای خود را اثبات نماید.

نتیجه

در سایه پیشرفت صنعتی زیان‌هایی از عیب کالا نه تنها بر مصرف کننده، بلکه بر سایر افراد رخ می‌دهد که برای جبران آن، ضمان قراردادی کاملاً ناکارآمد است. در فقه این مسأله از مسائل مستحدثه می‌باشد که در این مقاله تطبیق قواعد ضمان قهری با ضمان تولیدکننده، مهمترین محور بحث است.

اگر تولید کننده و یا عرضه کننده سبب ضرر باشد و فعل موجب ضرر ناشی از تقصیر تولیدکننده و یا بر اثر ارتکاب عمل غیرقانونی و غیرمشروع وی باشد، بی‌شک تولید کننده ضامن جبران خسارت می‌باشد. تنها مواردی محل بحث است که اگر در اثر عمل مشروع و قانونی که با رعایت احتیاط انجام شده، خسارتی بر دیگر افراد وارد شود، آیا این سببیت ضمان آور است؟ بی‌شک اثبات ضمان یا عدم ضمان برای تولیدکننده منوط به بررسی قواعد ضمان و نحوه‌ی کاربرد آن در این بحث است.

قاعده اتلاف مهمترین قاعده در ضمان است. در اتلاف به مباشرت استناد خسارت به فاعل آن به آسانی صورت می‌گیرد ولی در ضمان تولید کننده غالباً کاربرد ندارد. اتلاف به

تسبیب کارایی قابل توجهی در موضوع بحث دارد ولی از حیث استناد ضرر به سبب مشکلاتی وجود دارد؛ زیرا امکان دخالت عوامل متعددی با شدت و ضعف در ایجاد خسارت وجود دارد و این امر تعیین ضامن را دشوار می‌نماید.

در دخالت سبب و مباشر در ورود خسارت، در کلیت ضمان مباشر، فقها اتفاق دارند مگر در صورت اقو بودن سبب. و ملاک و معیار در عنوان مباشر، صدق عرفی نسبت کار به فاعل مباشر است. اما در بعضی از مصادیق تسبیب اختلاف نظرهایی وجود دارد. در مواردی که چند سبب با یکدیگر جمع شوند؛ تعیین سبب در اجتماع اسباب به نحو طولی، مورد اختلاف فقیهان و حقوق دانان می‌باشد. معیار مشهور فقها «سبب مقدم در تأثیر» است؛ یعنی سببی که زمینه‌ها را در تحقق خسارت از قوه به فعل می‌آورد.

آنچه در غرور موضوعیت دارد، ترغیب دیگری (مغرور) از ناحیه‌ی غار است به عملی که انجام آن منجر به ضرر و زیان ثالثی شده‌است و لذا، عنوان قصد خدعه و اضرار، در ضمان غار دخالت ندارد. بنابراین تولیدکننده و عرضه‌کننده در صورت جهل به عیب کالا از باب غرور ضامن خسارات وارده از عیب کالا می‌باشند.

قاعده‌ی اقدام در موضوع بحث کاربرد چندانی ندارد زیرا نتیجه آن در این بحث تسبیب در ایجاد خسارت است و در موردی که مصرف‌کننده با علم به عیب کالا و با علم به هشدار و نحوه‌ی صحیح مصرف، از کالا سوء استفاده نماید و ضرر و خسارتی حادث شود، این اقدام مصرف‌کننده، ضمانتی بر تولیدکننده ندارد.

قاعده تحذیر از مسقطات ضمان است در صورتی که هشدارگیرنده با محقق شدن شرایطی که در رافعیت ضمان هشداردهنده ذکر شد، خود را در معرض خطر قرار دهد، ورود خسارت به استناد قاعده اقدام، نتیجه فعل هشدارگیرنده می‌باشد. چنانکه مصرف‌کننده اقدام به بی‌مبالاتی کند و یا استفاده‌ی نامتعارف از کالا داشته باشد و اقدام به ورود در محل خطر کند و خسارتی به بار آورد، به استناد قاعده اقدام، خسارت نتیجه فعل هشدارگیرنده است و بنابر قاعده تحذیر رافع ضمان هشدار دهنده است.

منابع

- ابن قدامه محمد بن عبدالله، *المعنی*، ج ۱۲، دارالکتاب العربی، بیروت، بی تا.
- اصفهانی، شیخ فتح الله، (شیخ الشریعه اصفهانی)، *قاعده لاضرر*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
- انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، ج ۳ و ۲، مطبوعات دینی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.
- جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، مؤسسه البلاغ، بیروت ۱۴۱۴.
- جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه*، ج ۲، نشر دار التفسیر، قم.
- جعفری تبار، حسن، *مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا*، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد ۴، ج ۳، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۱.
- جنیدی، لعیا، *مطالعه تطبیقی تعهد به دادن اطلاعات با تأکید بر نظام کامن لا*، فصلنامه‌ی حقوق مجله دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره سی و هشتم، شماره‌ی چهارم، ۱۳۸۷.
- حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۱۹، دار احیاء التراث العربی، لبنان، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ق.
- حسینی مراغه‌ای، میرفتاح، *العناوین الفقهیه*، دوره‌ی ۲ جلدی، جامعه‌ی مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
- حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (محقق حلّی)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چاپ دوم، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.
- حلّی، حسن بن یوسف (علامه حلّی)، *قواعد الاحکام فی سلسله‌ی الینابیع الفقهیه*، (کتاب القصاص) مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ه.ق.
- _____، *نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام*، مؤسسه‌ی اسماعیلیان - قم، چاپ دوم
- خوئی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکمله‌ی المنهاج*، ج ۲، مطبعه‌ی الادب، النجف الاشرف، بی تا.
- خویی، محمد تقی، *مبانی العروه الوثقی* (تقریر بحث ابوالقاسم خویی)، الجزء الثالث، منشورات مدرسه دار البیت، کتاب المضاربه، ۱۴۰۸ ه.ق.
- صدر، محمد باقر، *بحوث فی شرح العروه الوثقی*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- طباطبایی حکیم، سید محسن. *مستمسک العروه الوثقی*، ج ۱۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱.
- طوسی، ابی جعفر محمد، *المبسوط*، ج ۲، چاپ سوم، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران، ۱۳۸۷ ق.
- عمید زنجانی، عباسعلی، *موجبات ضمان*، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲.
- فاضل لنکرانی، محمد، *قواعد فقهیه*، ج دوم، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ۱۴۲۵ ق.
- قاسمی حامد، عباس، *مروری بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد*، مجله کانون وکلا، شماره ۱۶۴-۱۶۵، سال ۱۳۷۵.

- کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، ج ۱، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کرکی، علی بن حسین (محقق کرکی)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، مؤسسه آل البیت، بیروت ۱۴۱۱ ه.ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه* بخش مدنی، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- اردبیلی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان*، ج ۹، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۷۸.
- مصطفوی، سید محمد کاظم، *القواعد*، تهران، نشر مؤسسه اسلامی، ۱۴۱۲ ه.ق.
- مکی عاملی، شمس الدین محمد (شهید اول)، *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*، ج ۲، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۱۴.
- موسوی بجنوردی، سید محمد حسن، *القواعد الفقهیه*، ج ۱ و ۲، نشر الهادی، چ اول، قم، ۱۴۱۹ ه.ق.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، *قواعد فقهیه*، چاپ سوم، نشر عروج، ۱۳۷۹.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، چاپ اول، مؤسسه دار العلم، قم، بی تا.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع اسلام*، جلد ۳۷ و ۴۰، چ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.